

متن پرسش

سلام علیکم با عرض ادب و احترام محضر استاد طاهرزاده: در مورد شهید آوینی اینطور به نظر می‌رسد که ایشان انقلاب اسلامی را همان اسلام ناب و حقیقی می‌دانستند و امام خمینی را نائب امام زمان و رزمندگان و شهدا را همان رزمندگان و شهدا صدر اسلام و کربلا می‌دانستند و با این نظر جامع به چنین حقایقی، این چنین صحنه دفاع مقدس را با قلمی که خداوند به آن قسم خورده است به رشته تحریر در می‌آوردند و با آن صدای ملکوتی که (معلوم است متصل به چنین حقایقی است) مسند روایت فتح را ایجاد کردند، و می‌شود گفت خیلی از شهدا هم چنین افقی را درک کرده بودند و خداوند چنین قدرت بیان و صدای ملکوتی به ایشان داده که به نمایندگی از سایر شهدایی دیگر راوی چنین حقایقی باشد و به نظر می‌رسد بعد از صحنه مقدس، هنوز هم تجلی سخنان شهید آوینی را می‌توان در عرصه های گیری یافت: از جمله فتنه ۸۸ و بعد از آن ۹ دی و صحنه شهادت حاج قاسم و شهید حجتی و بعد از آن آن تشییع های با شکوه و اخیرا هم فتنه اخیر و بعد از آن راهپیمایی ۲۲ بهمن (که بعضی ها گفتند بی سابقه بوده است) اکنون نیز تجلی هایی از شهید آوینی طلوع کرده اند (نظیر آن عنوانی که اخیرا در سایت گذاشتید که: باز آوینی ها در حال تولد می‌باشد) حال خواستم نظر نظر عالی درباره این مطلب و تکمیل آن بدانم. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید و به قول دوستان؛ شهید آوینی «رحمت‌الله‌علیه» از جمله کسانی بود که «طلوع تاریخی مکتب امام» را فهمید و تقابل تاریخی جبهه تمدنی حق و باطل را دریافت و خود را در ذیل اندیشه قدسی تاریخ توحیدی انقلاب اسلامی حاضر کرد تا مبین و معلم مکتب انسان‌ساز خمینی شود. در اصل، آوینی راوی عالم توحیدی امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» شد و ابر روایت تاریخ تمدن توحیدی اسلام، تاریخی در برابر مکاتب عالم مدرن که حرفی تازه از انسانی جدید در تاریخ داشت. سخن از تولد انسانی دیگر با ابعاد متعالی و مکتبی انسان‌ساز با نگاه به افق ملکوتی عالم بود و آوینی هنر فهم این عالم را در خود داشت و آن را پرورش داد تا خود را معلم و راوی حکایت انسان عصر انقلاب اسلامی کند. «روایت فتح آوینی»، قصه حضور انسان ملکوتی است که در زمین، جنود خداوند است، همان انسانی که در مقاومت خرمشهر خدا را به صحنه زمین آورد. او توانست متوجه طلوع تاریخی شود که با حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به ظهور آمد و آن شهید بزرگوار بیش از آن‌که به حاشیه‌های اطراف خود مشغول شود، نظر به

چشم‌اندازی انداخت که در آن، همه بودن بیکرانه خود را حاضر دید و فهمید چه آینده بزرگی در این حضور تاریخی در انتظار بشری است که بنا دارد در امروز خود از دیروز و فردایش غافل نباشد، بشری که از اکنون‌زدگی که قصه ظلمات جهان امروز غربی است، خود را آزاد کرده است. با نظر به شهید آوینی و سیره و سخن او ما نماد انسان متفکری را در کنار خود می‌یابیم تا در عمق حضور تاریخی‌مان همه آنچه قابل درک و قابل تفکر است، را تجربه کنیم. اگر این‌همه به آن شهید بزرگوار خود را نزدیک می‌کنیم، به علت آن است که بنا داریم در شخصیت انسان عصر انقلاب اسلامی به دورترین افق‌ها بنگریم و با مردمان امروز خود سخن بگوییم، سخنی که تمام ابعاد گسترده انسان آخرالزمانی را مخاطب قرار داده. موفق باشید